

مقاله پژوهشی: تبیین نقش عدالت فضایی / جغرافیایی در ارزیابی مدیریت سیاسی

بهینه فضا

[20.1001.1.33292538.1400.11.40.15.1](https://doi.org/10.133292538.1400.11.40.15.1)

مصطفی قادر حاجت^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

چکیده

فرم‌های فضایی به صورت کلی ناشی از فرایندهای فضایی شکل‌دهنده آن‌ها است. شکل‌گیری بنیان‌های توسعه نامتوازن متأثر از بی‌عدالتی فضایی به‌عنوان فرم فضایی غالب کشورهای در حال توسعه نتیجه فرایندهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها در طی زمان است. بی‌تردید مهم‌ترین هدف سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضا در هر کشوری، در وهله نخست ارائه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و استفاده حداکثری از قابلیت‌ها و فرصت‌های ملی در جهت رفاه و توسعه فضای جغرافیایی است. با توجه به الزامات عصر جدید و پیچیدگی‌های آن، ضرورت توجه به عدالت فضایی در نهادینه شدن مدیریت بهینه سیاسی فضا به‌عنوان یکی از الزامات کشورداری است. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی در پی تبیین نقش عدالت فضایی به‌عنوان شاخصی اثرگذار و پویا در راستای ارزیابی عملکرد سیستم حکمرانی به‌عنوان موتور محرکه اصلی اداره امور کشور است. واقعیت این است که تا به یک اجماع کلی در خصوص ارزیابی حکمرانی سامان سیاسی فضایی حاصل نشود، نمی‌توان درصد الگوسازی حکمرانی بهینه سیاسی فضا اقدام کرد. بر همین مبنا عدالت فضایی / جغرافیایی به‌عنوان سنگ محک معتبری برای ارزیابی بهینه مدیریت سیاسی فضا به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها: عدالت فضایی، حکمرانی، مدیریت سیاسی بهینه فضا، سامان سیاسی.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) m.ghaderihajat@modares.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین وجوه عدالت، عدالت فضایی / جغرافیایی است که در مطالعات جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی / جغرافیایی، مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضا و سازوکار پویای آن‌ها است. در جغرافیای سیاسی مفهوم عدالت فضایی از سطح انتزاعی خارج و به عینیت می‌رسد، به عبارتی دیگر مفهوم عدالت عملیاتی و سنجش‌پذیر می‌شود. عدالت فضایی با نگرشی دموکراتیک به فضا در پی فراهم کردن زمینه‌های برابری نسبی همه ساکنین فضای جغرافیایی در برخورداری از منابع، فرصت‌ها و زیرساخت‌های ملی جدای از ناهمگونی‌های زیستی و اعتقادی که از رهگذر مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات حاصل می‌شود، است. با توجه به آنچه گفته شد، هدف نهایی در عدالت فضایی بهبود دورنمای زندگی سکنه فضا در تمام عرصه‌های فضایی است. عدالت فضایی در صورتی قابل تحقق است که توزیع قدرت، ثروت، مزایا و فرصت، متناسب با قابلیت مکان‌ها و فضاهای خرد و کلان جغرافیایی انجام شود و به تبع آن درآمدی که به توانمندی جوامع در جهت برآورده کردن نیازها منجر شود را افزایش داده و از این رهگذر ضرایب فزاینده‌گی بین مناطق را افزایش دهد.

توسعه نابرابر در اشکال گوناگون در فضاهای جغرافیایی بستر مناسبی برای ایجاد متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت ملی و تکوین نواحی بحرانی را فراهم می‌نماید. این تهدیدات بیشتر متوجه نظام‌های سیاسی متمرکز [به‌خصوص بهره‌مند از تکثر قومی - مذهبی و زبانی] است که ساختار فضایی حاکم بر آن‌ها مرکز-پیرامون است [مرکزی که در ابعاد گوناگون از مزیت‌های زیادی برخوردار است و پیرامونی که در شاخصه‌های متعددی در حاشیه قرار دارد]. فضای جغرافیایی ایران به‌رغم تلاش‌های زیاد از عدالت فضایی به دور بوده و ساختار مرکز-پیرامون الگوی غالب روابط فضایی در کشور است. هرچند نابرابری‌های فضایی در درجه نخست به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد، اما نظام سیاسی، تصمیمات سیاسی، مدیریت سیاسی فضا، نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله

و چگونگی سرمایه‌گذاری‌ها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز درست بهره‌گیری نشود. در سایه پیامدهای سیاست‌ها و راهبردهای پیشین در برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشور و نبود برنامه‌های کلان ملی در راستای تمرکززدایی، حتی سیاست‌های محرومیت‌زدایی پس از انقلاب اسلامی نیز نتوانسته است کشور را به سوی تعادل فضایی پیش ببرد.

مدیریت سیاسی فضا به‌عنوان مهم‌ترین رکن اداره‌کننده فضا که هم قدرت اجرایی و هم توان سیاست‌گذاری و ترسیم چشم‌اندازها را دارد نیاز به ابزاری کارآمد در جهت ارزیابی موفقیت و عدم موفقیت سیاست‌های اجراشده دارد. با توجه به تمرکز مطالعاتی جغرافیای سیاسی بر کشور و اداره بهینه آن نیاز به ابزار سنجش وضعیت چگونگی اداره کشور بیش‌ازپیش احساس می‌شود. عدالت فضایی به‌عنوان قالبی کارآمد برای سنجش و ارزیاب مداوم موفقیت مدیریت سیاسی فضا در راستای اداره چارچوب فضای سرزمینی است. در این مقاله در گام نخست مباحث نظری مرتبط با پژوهش ارائه خواهد شد، در گام دوم سعی در پردازش جایگاه عدالت فضایی در مدیریت سیاسی فضا می‌شود، در گام سوم وضعیت عدالت فضایی کشور تبیین خواهد شد و در قالب گام چهارم راهکارهای تبدیل عدالت فضایی به‌عنوان شاخص و مقیاس ارزیابی ارائه می‌شود.

۲. روش پژوهش

ماهیت مقاله نظری و روش کار توصیفی-تحلیلی است و با توجه به داده‌های در دسترس، با استنباط و استدلال در پی تبیین نقش عدالت فضایی/ جغرافیایی در ارزیابی حکمرانی بهینه سامان سیاسی فضا است.

۳. مباحث نظری

۳-۱. عدالت فضایی

اصطلاح خاص «عدالت فضایی» تا چند دهه پیش کاربرد عمومی نداشته و حتی امروزه در میان جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان سعی در جلوگیری از کاربرد صفت فضایی برای

جست‌وجوی عدالت و دموکراسی در جوامع معاصر وجود دارد. در اصل فضائیت عدالت یا نادیده گرفته می‌شود یا در مفاهیم مرتبط دیگر مانند عدالت سرزمینی، عدالت زیست‌محیطی، بی‌عدالتی شهرنشینی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای یا حتی در شهر عادل و جامعه عادل جذب می‌شود (Soja, 2008:1).

عدالت فضایی، هم در نام و هم در نتیجه‌گیری، به‌تازگی به‌طور گسترده‌ای به‌منظور تلاش برای درک مفهوم عدالت در یک چشم‌انداز جغرافیایی مورد استفاده قرار گرفته است (Mihalopoulos, 2014:202). این فرم از عدالت به‌عنوان یک جانشین یا جایگزینی برای عدالت اقتصادی یا اجتماعی یا دیگر فرم‌های عدالت نیست، بلکه در جست‌وجوی عدالت در یک چشم‌انداز فضایی انتقادی است (Soja, 2010:13).

عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که به جنبه‌های فضایی یا جغرافیایی عدالت اشاره دارد و توزیع عادلانه و منصفانه منابع و فرصت‌های بارزش در فضای جغرافیایی به‌عنوان زیستگاه جامعه را شامل می‌شود که می‌تواند هم به‌عنوان یک خروجی و هم به‌عنوان فرایند در نظر گرفته شود، به‌عنوان الگوهای جغرافیایی یا توزیعی که عادلانه یا ناعادلانه هستند، به‌عنوان فرایندهایی که این خروجی‌ها را تولید می‌کند (Soja, 2008:4).

از این رو، عدالت فضایی می‌تواند توزیع برابر منابع و خدمات تعریف شود که به مبحث برقراری تعادل بر مبنای چه کسی چه چیزی را چگونه به دست می‌آورد؟ اشاره دارد (Fairstein, 2005:129). یا اجرایی شدن عدالت سرزمینی یا همان برابری در دسترسی به کالا و خدمات عمومی تعریف شود (Savas, 1978:801). در دهه اخیر، دیکس با تأسی از هنری لوفور، بحث عدالت فضایی را فراتر از الگوهای ثابت توزیعی، به سمت فضاسازی و ارتباطات اجتماعی، توسعه داد (dikec, 2001:1973). به نظر لوفور فضا بیشتر تولید شده و تحت تأثیر فرایندهای سیاسی-اجتماعی است. او اعتقاد دارد که ارتباطات اجتماعی را نمی‌توان به دور از مناسبات فضایی آن‌ها مورد توجه قرار داد.

کاردوسو معتقد است که عدالت فضایی مستقل از دیگر فرم‌های عدالت (اجتماعی، اقتصادی و محیطی) نیست و از آنجا که فضا عنصر مشترک و پیونددهنده آن‌ها است،

عدالت فضایی می‌تواند به‌عنوان، مرکز انواع مفاهیم عدالت عمل کند (Cardoso, 2007: 384). تراول معتقد است که عدالت فضایی، عدالت اجتماعی است و عدالت محیطی عنصر جدانشدنی از عدالت اجتماعی است (Cardoso, 2007, 390; Brown and et al, 2007: 27). در کل اعتقاد بر این است که با پذیرش شرایط اجتماعی، اقتصادی، محیطی جامعه و طرح آن‌ها در عدالت فضایی می‌توان ظرفیتی را برای اتحاد جنبش‌های عدالت‌خواهی تحت یک چتر مشترک ارائه کرده و در آینده به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در خلق جوامع عادلانه‌تر و پایدار، کمک کرد (داداش‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۷). بدیهی است که معنا و مفهوم عدالت فضایی با ذکر و تشریح ریشه‌ها و سرچشمه‌های نابرابری و عدم تعادل‌های فضایی روشن‌تر خواهد شد (جوان و عبداللہی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۹).

با رویکردی انسان‌گرایانه و با یک دیدگاه کاربردی و نیز عملیاتی عدالت فضایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های توسعه جامع (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ...) در مکان‌ها و فضاها (جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور، منطقه و جهان با شاخص‌های توسعه متناظر آن در سطح ملی (کشوری)، منطقه‌ای و جهانی. در چنین رویکردی عدالت فضایی می‌تواند به‌عنوان خروجی و اشاره به شرایطی داشته باشد که منابع ارزشمند جامعه (قدرت، ثروت و فرصت) از یک توزیع نسبتاً متوازنی برخوردار باشد.

۲-۳. آمایش سرزمین

آمایش سرزمین به‌عنوان نوعی برنامه‌ریزی فضایی عبارت است از: «برنامه‌ریزی و سازمان دادن به عناصر فضایی-جغرافیایی از قبیل کاربری، تقسیم و نحوه اشغال فضا، تعیین محل سکونت انسان و فعالیت‌ها، حفظ تعادل اکولوژیکی فضا، تنظیم و تنسيق فضایی، تنظیم روابط فضایی، فراوری ظرفیت‌ها، کاربست عدالت فضایی، حفظ زیبایی و دکوراسیون فضا، پایداری توسعه، کاهش ناهنجاری‌های فضایی و ... (حافظ‌نیا، ۱۳۹۷). در واقع «آمایش سرزمین» یکی از قلمروهای اساسی عملکرد جغرافیای کاربردی است که اغلب با اراده و

اختیار، تعادل اکوسیستم جغرافیایی را سازمان‌دهی و برقرار می‌کند. از این رو، لازم است که هم شناخت و ادراک مناسبی از کل سرزمین داشت و هم درباره فضا آینده‌نگری کرد. آمایش سرزمین شامل تنظیم روابط و کنش‌های متقابل بین عوامل انسانی، اقتصادی و عوامل محیطی به منظور ایجاد فضایی مبتنی بر افزایش کارایی‌ها، بهره‌گیری بهینه و پایدار از استعدادهای اکولوژیکی است؛ به عبارت دیگر مطلوب‌ترین، عادلانه‌ترین و پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت، سرمایه و منابع طبیعی و محیطی در یک منطقه یا سرزمین داده می‌شود، برنامه آمایش سرزمین اطلاق می‌گردد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۳: ۷).

شاید در کل بتوان گفت منظور از آمایش سرزمین، تعیین توان بالقوه و شایستگی سیستم اکولوژیکی، یا به عبارت دیگر، مطلوب‌ترین نوع بهره‌وری از آن است. در حقیقت، آمایش سرزمین، تنظیم و تنسيق ترتیبات بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های انسانی و طبیعی است (سرور، ۱۳۸۷: ۲۵).

از مهم‌ترین ویژگی‌ها و ملزومات برنامه آمایش سرزمین، جامع و یکپارچه‌نگری، پویا و دینامیک بودن برنامه، زمانمند بودن، عادلانه بودن فرایندها، ایمن و زیست‌محیطی بودن، نظام‌مند و سلسله‌مراتبی بودن برنامه به لحاظ سطح، موضوع و پدیده‌ها و بالاخره متوازن بودن همه ارکان و ابعاد برنامه است. هدف سیاسی آمایش سرزمین در راستای متعادل‌سازی بهره‌برداری انسان از سرزمین و تخصیص بهینه منابع بین مناطق یک سرزمین متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها، در جهت جلوگیری از برخی اعتراضات و نارضایتی‌ها در چارچوب نیل به امنیت در فضای ملی است. همچنین سازمان‌دهی فضا در راستای تأمین اهداف نظام سیاسی حاکم بر جامعه خواهد بود که با تدابیر منطقی و واقع‌بینانه ضریب امنیتی کشور را بالا برده و تهدیدات داخلی و خارجی را کاهش دهد. در نتیجه، اهداف سیاسی آمایش سرزمین برحسب نظام سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر آن می‌تواند متفاوت باشد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۷).

برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین، نوعی از برنامه‌ریزی نوین است که تمامی مؤلفه‌های علمی را جهت ساماندهی فعالیت‌ها و جمعیت در فضای سرزمینی در راستای

ایجاد عدالت جغرافیایی/ سرزمینی، توسعه و امنیت پایدار به کار می‌گیرد. آمایش سرزمین در جهت تقویت فرصت‌ها و قوت‌ها و تعدیل و خنثی‌سازی تهدیدات و ضعف‌ها؛ آن‌ها به شکلی منطبق بر واقعیت‌های سرزمینی صورت می‌گیرد. عدم توجه به توان‌ها و ضعف‌های اکولوژیک و انسانی یک سرزمین و برنامه‌ریزی غیرمنطبق با آن سبب بروز آسیب‌های محیط زیستی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و امنیتی و اتلاف منابع می‌شود. برای اداره منطقی سرزمین و ایجاد یک توسعه و امنیت پایدار و مستمر، نگاه همه‌جانبه به ویژگی‌های سرزمینی ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که آمایش سرزمین به‌عنوان یک بحث کلیدی دربرگیرنده مفهوم برنامه‌ریزی است نمی‌تواند جدا از مفهوم یادشده مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌ریزی دارای دو سیستم جدا ولی مرتبط با هم به شرح زیر است:

الف) برنامه‌های بخشی (کالبدی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و ...);

ب) کجایی اجرای برنامه (برنامه کجا باید اجرا شود که دربردارنده الزامات آمایشی است).

مهم‌ترین مسئله آمایش سرزمین تعیین مکانی اجرای برنامه‌ها است، درواقع جا و مکان واقعیتی جغرافیایی است و کارکرد آمایش سرزمین باید در راستای مکان‌یابی فعالیت‌های مختلف انسان در فضای جغرافیایی در راستای افزایش بهره‌وری‌های فضایی- مکانی سازمان‌دهی شود. افزایش بهره‌وری‌های فضایی- مکانی تحت تأثیر طیف وسیعی از ساختارها و کارکردها است که خود متأثر از کلان‌روندهای ژئوپلیتیکی، فضای جغرافیایی، سیاست و سیستم سیاست‌گذاری و فرهنگ حاکم بر جوامع است.

۳-۳. مدیریت سیاسی بهینه فضا

در جغرافیای سیاسی بنابر فلسفه جغرافیایی حکومت، شهروندان در درجه نخست اهمیت قرار دارند. صرف نظر از نظرات مطرح‌شده در طول تاریخ برای حکومت واقعیت این است که فلسفه حکومت بیشتر جغرافیایی است؛ چراکه انسان‌ها به‌عنوان ساکنان فضای جغرافیایی از حق استفاده به وجود آوردن حکومت و پروراندن آن برخوردارند. درواقع

مهم ترین عرصه تجلی رابطه جغرافیا و سیاست، نظام سیاسی مستقل یا حکومت است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت یا انسان‌های بومی و مقیم در سرزمین موجودیت یافته و به ایفای نقش می‌پردازد و سرزمین بنیادی‌ترین عنصر این مجموعه سه‌گانه محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

اگرچه حکمرانی خوب مفهومی جدید است که از ۱۹۹۰ میلادی توسط سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده و در سایه حمایت سازمان ملل بسط و توسعه یافته است. این آموزه با تأکید بر توانمندسازی دولت، معیارها و اصول حکومت‌داری که دولت‌ها از طریق آن‌ها به اداره امور عمومی و تضمین حقوق بشر می‌پردازند را در برمی‌گیرد (مفتح و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۲). حکمرانی خوب نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها است که جامعه به کمک آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را به‌وسیله سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند. حکمرانی خوب بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌ها و مشارکت یکسان همه مردم در فرایند تصمیم‌گیری است که باعث می‌شود صدای همه مردم، زمانی که تصمیمات گرفته و منابع تقسیم می‌شوند به گوش برسد (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹). در این راستا، نهادهای مختلف بین‌المللی و به‌طور خاص نهادهای وابسته به سازمان ملل نیز برای تحقق حکمرانی خوب در جوامع در حال توسعه و ارتقای آن، به ارائه شاخص‌هایی سنجش‌پذیر مبادرت کرده‌اند که در بسیاری از این شاخص‌ها بر مواردی اثربخش نظیر پاسخگویی، اجماع‌محوری، مشارکت، قانون‌محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت، تأکید شده است (شریعتی، ۱۳۹۴: ۷۸). جان گراهام^۱ هم پنج اصل کلی شامل مشروعیت و مشارکت، رهبری و مدیریت، کارایی، پاسخگویی و عدالت را از جمله مهم‌ترین اصول حکمرانی می‌داند. شاخص‌های مذکور را که با اصول برنامه عمران ملل متحد تطبیق داده شده است، در قالب جدول زیر نشان می‌دهد.

اصول حکمرانی خوب

| متون مرتبط با این اصول در برنامه عمران ملل متحد | | اصول حکمرانی خوب |
|---|---------------------|------------------|
| همه مردم باید در تصمیم‌سازی نقش داشته باشند چه مستقیم و چه از طریق ابزارهای قانونی میانجی تا نظرشان را اعلام کنند. | مشارکت | مشروعیت و مشارکت |
| حکمرانی خوب باید برای رسیدن به اجماع بتواند بین منافع گروه‌های مختلف میانجی‌گری کند و تا حد ممکن در سیاست‌ها و رویه‌ها توافق ایجاد کند. | جهت‌گیری مورد اجماع | |
| رهبران باید چشم‌انداز جامع با احساس نیاز به حکمرانی خوب و توسعه انسانی داشته باشند که این چشم‌انداز بر مبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باشد. | نگاه راهبردی | رهبری |
| مؤسسات و جریان‌ها تلاش کنند تا به همه اعضا خدمت‌رسانی کنند. | تأثیرپذیری | کارایی |
| جریان‌ها و نهادها نتایج مورد نیاز و مطلوب را با استفاده بهینه از منابع به دست آورند. | اثربخشی و کارایی | |
| تصمیم‌سازان حکومتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید به مردم پاسخگو باشند. | پاسخگویی | پاسخگویی |
| شفافیت بر پایه جریان آزاد اطلاعات شکل می‌گیرد. | شفافیت | |
| همه مردم حق دارند تا حیاتشان را حفظ کنند و فرصت‌هایشان را ارتقا دهند. | تساوی حقوق | عدالت |
| چارچوب‌های قانونی باید بی‌طرفانه باشد و به‌طور بی‌طرفانه هم اجرا شود. | حاکمیت قانون | |

Source: Graham et al, 2003:3

با دقت در تعاریف متعدد از حکمرانی خوب می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در حکمرانی خوب تنها تأکید بر افزایش اثربخشی و کارایی نیست، بلکه تضمین قانونی و مشروعیت نیز مطرح است. از این رو برخی معتقدند مشروعیت و حکمرانی به اندازه‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند که گاه حکمرانی را به معنای «مدیریت قواعد بازی به‌منظور افزایش مشروعیت در قلمرو حکومت» تعریف می‌کنند (مفتح و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

در مطالعات جغرافیای سیاسی مفهوم متناظر برای حکمرانی خوب، مدیریت سیاسی بهینه فضا است. حکمرانی مفهومی سیاسی و اجتماعی است و تا حدودی به‌واسطه الزامات

جهان مدرن تبدیل به یک امر حقوقی شده است و دربردارنده حقوق حاکم است، در چنین ساختاری وجه اصلی اقتدار یعنی فرمانروایی و فرمان‌برداری مورد توجه قرار می‌گیرد و بنابر سرشت دستوری و از بالا به پایین خود از دید جغرافیای سیاسی مورد قبول نیست. در حالی که مدیریت سیاسی فضا مفهومی جغرافیایی-سیاسی، شهروندمدار و فضا‌نگر است و بر مبنای مسئولیت و تعهد سازمان مدیریت سیاسی فضا برای بهینه کردن حداکثر مطلوبیت و رفاه برای حداکثر آحاد و سکنه فضا با حداقل هزینه‌ها است و ماهیت آمرانه ندارد. از آنجایی که حکومت به‌عنوان سازمان سیاسی فضا در پی اداره بهینه سرزمین به‌منظور برآورده کردن بیشترین اهداف تعیین شده است، می‌توان مدیریت بهینه سیاسی فضا را معادل کارآمدتری دانست. از آنجایی که یکی از معانی To Govern مدیریت کردن است و با توجه به اینکه مدیریت کردن دربرگیرنده ابعاد سیاسی و غیرسیاسی است، بنابراین حکمرانی خوب در مطالعات جغرافیای سیاسی از نظر معنایی و مفهومی به کارآمدی مدیریت بهینه سیاسی فضا نیست.

۳-۴. فلسفه توجه به عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی

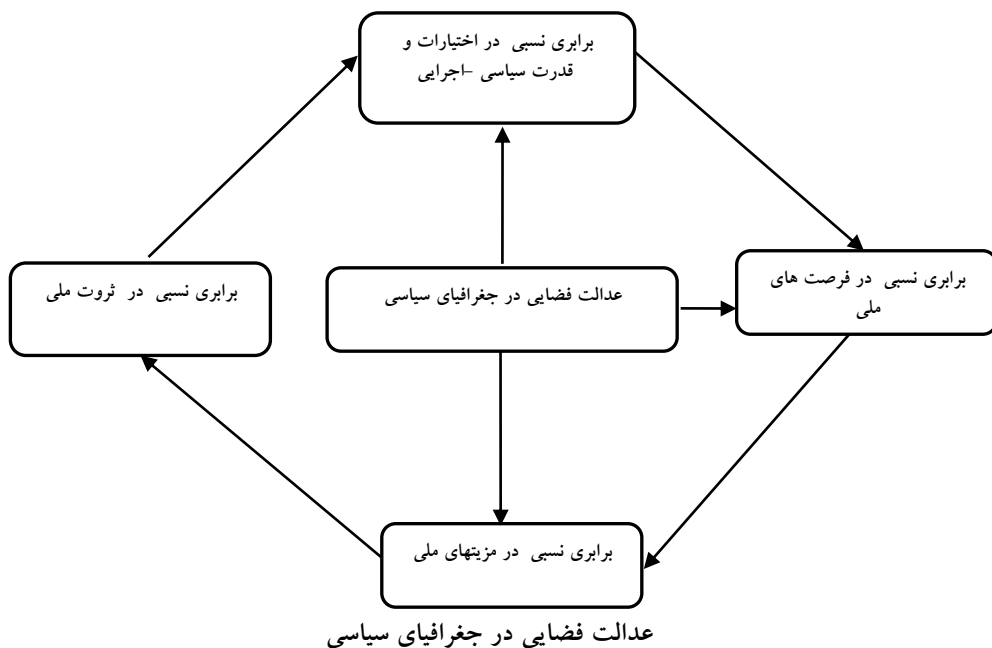
توجه به عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی ریشه در تداوم و بقای کشورها دارد، از آنجایی که عدم تعادل‌های فضایی ناشی از دسترسی نامتعادل به منابع قدرت و ثروت در مقیاس‌های مختلف مکانی است، توزیع نامناسب اعتبارات جاری و عمرانی به منزله بازتاب حتمی و غیرقابل تغییر آن، موجب تشدید نابرابری و شکاف بین واحدهای سیاسی مختلف در زمینه‌های گوناگون می‌شود. به فراخور این شرایط نابرابر، میزان سرمایه‌گذاری‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاری جهت ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در وضعیتی که نابرابری‌ها تشدید شوند، جامعه دچار تنش شده و بین حاکمیت و مردم تعارض به وجود می‌آید که در چارچوب راهبرد ملی درنهایت همبستگی، یکپارچگی و قدرت ملی را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد و کشور را با تهدیداتی همچون تجزیه و هرج‌ومرج روبه‌رو می‌سازد. در تقابل بین حکومت و مردم از منظر عدالت

فضایی این مردم هستند که باقی می‌مانند؛ زیرا در جغرافیای سیاسی سرزمین به‌عنوان زیستگاه و ملتی که در آن زندگی می‌کنند اصالت دارند. فضای درون کشور، یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ سطح و ماهیت توسعه و فرصت اقتصادی، از لحاظ تفاوت‌هایی که طبیعتی فرهنگی و تاریخی دارند؛ از حیث تنوع در سلیقه‌ها و آرمان‌های سیاسی جمعیت و نگرش آن‌ها نسبت به حکومت و نیز از لحاظ نابرابری‌ها در میزانی که دولت می‌تواند اراده خود را بر قلمرو متبوع خود تحمیل کند فرق می‌کند. این الگوها در طول زمان ثابت نیستند و روابط میان مردم، مکان و حکومت همواره در حال سیلان است (مویر، ۱۳۸۴: ۱۹۶).

تقسیم یک سرزمین به مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، غنی و فقیر، صنعتی و غیرصنعتی، پیشرفته و عقب‌مانده و نظایر آن منعکس‌کننده وجود فضاهای جغرافیایی نابرابر در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است. یک سرزمین به‌طور معمول به طبقات اجتماعی قوی و ضعیف، داراوندار تقسیم می‌شود. این واقعیت تلخ احساس دوگانه‌ای را در شهروندان و نخبگان سرزمین تقسیم‌شده پدید می‌آورد. ثروتمندان و توسعه‌یافته‌ها خود را متمدن و پیشرو، صاحب حق غلبه، مغرور و صاحب نفوذ احساس می‌کنند، در حالی که توسعه‌نیافته‌ها را غیرمتمدن، عقب‌مانده، تابع، قابل تحقیر و نظایر آن می‌دانند. در برابر این نگرش، نگرش کاملاً متفاوتی در ساکنان و نخبگان فضاهای جغرافیایی توسعه‌نیافته نسبت به خود و توسعه‌یافته‌ها و ثروتمندان شکل می‌گیرد. تفاوت و تا اندازه‌ای تضاد نگرش در دو گروه مزبور نسبت به خود و دیگری سرچشمه کشمکش، تنش و تولید تهدید و ناامنی است؛ به عبارت دیگر وجود تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی و جغرافیایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی به‌عنوان یکی از منابع تهدید و ناامنی محسوب می‌گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳۶).

توسعه عادلانه و برابری در برخورداری نواحی مختلف کشور، همبستگی ملی و امنیت ملی را تضمین می‌کند. برابری فرصت‌ها، زمینه‌انگیزه ارتقا را فراهم آورده و تحرک اجتماعی مثبت را به دنبال دارد (رزازی، ۱۳۸۴: ۱۳۱). سنجش شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی حاکی از آن است که جهان دارای ساختار

فضایی مرکز- پیرامونی است که این امر هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی در تمام کشورها وجود دارد. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامون، از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. این نسبت در مناطقی از حاشیه که از حیث متغیرها و نیروهای ژرف با بخش مرکزی نامتجانس‌اند، به کمترین میزان می‌رسد؛ این نابرابری‌ها شائبه وجود تبعیض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت و اعتماد بخش حاشیه را از بخش مرکزی و دولت مرکزی سلب می‌کند و ظرفیت واگرایی را در این مناطق افزایش می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۱۸۶). عدم تعادل‌های منطقه‌ای آثار و عواقب زیان‌بار فراوانی برای کشور به دنبال دارد. افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگرایی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیکی به‌ویژه در اثر رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخش‌های کشور و ... از عواقب حاکمیت الگوی مرکز پیرامون در کشور و نتیجه حاکمیت سیاست‌های عدالت‌ستیزانه است. عدالت فضایی در صورتی قابل تحقق است که توزیع قدرت، ثروت و فرصت، متناسب با قابلیت مکان‌ها و فضاهای خرد و کلان جغرافیایی انجام شود و به تبع آن درآمدی که به توانمندی جوامع در جهت برآورده کردن نیازها منجر شود را افزایش داده و از این رهگذر ضرایب فزاینده‌گی بین مناطق را افزایش دهد. از آنجایی که انسان و فضا به‌عنوان موضوعی پویا در کانون اندیشه جغرافیای انسانی و به تبع آن در جغرافیای سیاسی مطرح است، دستیابی برابر تمام سکنه فضای جغرافیایی به مؤلفه‌هایی چون قدرت اجرایی- سیاسی، فرصت، مزایا و ثروت در سطوح خرد و کلان محور اصلی عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی را شکل می‌دهد که این امر در الگوی زیر به نمایش درآمده است:



۴. یافته‌ها

۴-۱. نظام حکمرانی، عدالت و بی‌عدالتی فضایی

نظام مسائل ایران مرتبط با بی‌عدالتی فضایی را می‌توان در قالب گزاره‌های زیر دسته‌بندی کرد:

مسئله اول؛ توسعه نامتعادل فضایی کشور؛

مسئله دوم؛ عدم بهره‌مندی مناسب از ظرفیت‌های موجود و عدم توانایی خلق مزیت‌های جدید منطقه‌ای و سرزمینی؛

مسئله سوم؛ آسیب‌پذیری ظرفیت زیستی و ناپایداری اقلیمی و محیطی؛

مسئله چهارم؛ عدم تعریف جایگاه آمایش در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛

مسئله پنجم؛ ناسازگاری ساختار اداری کشور با ویژگی‌های سرزمینی و سازمندی‌های اجتماعی؛

مسئله ششم؛ عدم تناسب توسعه فناوری‌های بومی هماهنگ با زیست‌بوم‌های ایران.

عمده مسائل فوق اشاره به عدم توجه کافی به توزیع متوازن دارایی‌ها و منابع ارزشمند جامعه یا به عبارتی بهتر توجه کمتر به عدالت فضایی است که بیش از هر حوزه‌ای در واقع بیانگر ضعف‌های بنیادین در حوزه حکمرانی است.

با توجه به اینکه ایده مرکزی مقاله حاضر دربردارنده ماهیت تولیدی فضای جغرافیایی متأثر از محرکه‌های گوناگون است؛ بنابراین با توجه به اهمیت سیاست به‌عنوان پیشران اصلی و سوق‌دهنده تراکنش‌های فضایی عناصر مرتبط با حکمرانی که بر عدالت و بی‌عدالتی فضایی مؤثر است را می‌توان در قالب اسناد فرادستی، تمرکزگرایی و برنامه‌های توسعه دسته‌بندی و تحلیل کرد. عواملی که بیش از هر چیز به سازوکار پویای سیاست و فضا اشاره دارند.

۴-۱-۱. اسناد فرادستی

منظور از اسناد فرادستی کلیه اسناد، برنامه‌های توسعه که ماهیت هدایت‌گری و دستوری را داشته و مورد توافق سیستم سیاسی کشور برای اجرایی شدن در فضا قرار گرفته است. به‌رغم جایگاه توسعه متوازن و عادلانه فضا در اسناد بالادستی به دلایل مختلف کشور با وضعیت چندان مناسبی از منظر عدالت فضایی برخوردار نیست. به‌منظور درک بهتر نقش نظام حکمرانی در شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی در ایران اهم گزاره‌های مرتبط با عدالت فضایی مندرج در اسناد بالادستی در شش محور زیر ارائه می‌شود، لازم به ذکر است که بعضی از گزاره‌ها در چند محور مشترک هستند.

محیط زیست و منابع زیستی:

- در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به‌طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (اصل ۴۸ قانون اساسی).

- برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب (سند چشم‌انداز).

فعالیت:

- توجه ویژه به کاهش نرخ بیکاری استان‌های بالاتر از متوسط کشور (سیاست‌های کلی نظام در اشتغال، بند ۱۲)؛
- ایجاد و متناسب‌سازی فضاهای تربیتی با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و اقتضائات فرهنگ اسلامی- ایرانی و شرایط اقلیمی، فرهنگی و جغرافیایی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم: هدف عملیاتی ۱۴)؛
- رعایت تناسب بین نیازهای استقرار فعالیت در یک قلمرو با امکانات و قابلیت‌های آن و رعایت مقیاس مناسب اقتصادی برای فعالیت در یک مکان با توجه به ظرفیت و کشش بازارهای داخلی و خارجی (جهت‌گیری ملی آمایش سرزمین، بند ۱ ماده ۱)؛
- توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو سرزمین در راستای ایجاد تعادل بیشتر بین نیمه غربی و شمال غربی کشور و نیمه شرق و جنوب شرقی کشور بر مبنای کارایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی (جهت‌گیری ملی آمایش سرزمین، بند ۵ ماده ۱)؛
- ساماندهی و هدایت هدفمند جریان‌های مهاجرت در راستای راهبرد توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۸ ماده ۱)؛

زیرساخت:

- فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه همه‌جانبه و تقویت زیرساخت‌ها و شبکه‌های زیربنایی با اولویت نواحی شرقی و جنوبی کشور به منظور ایجاد توازن و تعادل منطقه‌ای (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۱۷ ماده ۱)؛

- ایجاد و توسعه مناطق ویژه اقتصادی و تخصصی انرژی (نفت، گاز، پتروشیمی و انرژی‌های نو) در مناطق دارای قابلیت با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۲۷ ماده ۱)؛

نظام سکونتگاهی:

- برنامه‌ریزی جامع برای بهبود وضعیت مسکن روستایی با اولویت مناطق آسیب‌پذیر از سوانح طبیعی و متناسب با ویژگی‌های بومی (سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن، بند ۴)؛
- اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایر (کانون تولید ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقا شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت کارآفرینی اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست‌های کلی کشاورزی (سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، بند ۲۰)؛
- ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۱۵ ماده ۱)؛
- ساماندهی و هدایت هدفمند جریان‌های مهاجرت در راستای راهبرد توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۸ ماده ۱)؛
- توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو سرزمین در راستای ایجاد تعادل بیشتر بین نیمه غربی و شمال غربی کشور و نیمه شرق و جنوب شرقی کشور بر مبنای کارایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی (جهت‌گیری ملی آمایش سرزمین، بند ۵ ماده ۱)؛

اجتماعی و فرهنگی:

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند ۹ اصل سوم قانون اساسی)؛
- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی)؛
- در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (اصل ۴۸ قانون اساسی)؛
- شناخت عناصر سازنده فرهنگ، هنر، دانش و تمدن اسلامی و ایرانی، به‌عنوان عناصر هویت ملی و بهره‌گیری از مزیت‌های تاریخی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، برای مشارکت فعال مناطق در توسعه پایدار (بند ۴۶ د) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز)؛
- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی (سند چشم‌انداز)؛
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب (سند چشم‌انداز)؛
- توسعه متوازن کمی و کیفی نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی (سیاست‌های کلی نظام در رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، بند ۱)؛

- با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز بیست‌ساله کشور (سیاست‌های کلی نظام در بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی، مقدمه)؛
- توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی متناسب با عملکرد تخصصی هر قلمرو به‌ویژه در نواحی مرزی و حاشیه شهرها با هدف زمینه‌سازی برای توسعه مشاغل متناسب با مقتضیات محلی و کاهش مهاجرت‌ها (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۶۷ ماده ۱)؛
- دسترسی عادلانه به خدمات سلامت در کشور از طریق طرح‌ریزی شبکه بهداشت و درمان مبتنی بر سطح‌بندی ارائه خدمات در پهنه سرزمین (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۷۴ ماده ۱)؛
- توسعه رفاه و تأمین اجتماعی در نواحی مختلف کشور و زمینه‌سازی تحقق عدالت فراگیر در پهنه سرزمین، کاهش فقر، نابرابری و آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی و حداکثر استفاده از مشارکت مردم (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۷۶ ماده ۱)؛
- افزایش همگرایی و تقویت هویت ملی در طراحی و اجرای طرح‌های ملی و منطقه‌ای و تخصصی شدن عملکرد اقتصادی براساس قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی مناطق برای تقویت وابستگی‌های متقابل منطقه‌ای و یکپارچگی ملی و پرهیز از تنوع و گسترش همه نوع فعالیت‌ها در یک قلمرو جغرافیایی (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۲ ماده ۱)؛
- بسترسازی، انجام ترتیبات نهادی و فراهم‌سازی الزامات مورد نیاز در قلمروهای سرزمینی به‌منظور ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی، توسعه سرمایه‌های انسانی و پرورش انسان‌های بانگیزه، شاداب، متدین، وطن‌دوست، جمع‌گرا، نظم‌پذیر و قانون‌گرا به‌عنوان مهم‌ترین ارکان توسعه (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۴ ماده ۲).

اصول و سیاست‌ها:

- آمایش سرزمین بر مبنای مزیت‌های نسبی مناطق، به نحوی که هر ایرانی به منطقه‌ای که در آن با عزت و آرامش زندگی می‌کند، افتخار کند (بند ۴۵ (د) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز)؛
- سازمان‌دهی فضای ملی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و تقویت نقش منطقه‌ای کشور، با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی سرزمین، با هدف ارتقای جایگاه بین‌المللی (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۴ ماده ۱)؛
- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته سیاست‌های کلی نظام درباره اصل ۴۴ قانون اساسی (د. سیاست‌های کلی واگذاری بند ۳-۲)؛
- با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز بیست‌ساله کشور (سیاست‌های کلی نظام در بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی، مقدمه)؛
- عدالت‌محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی (سیاست‌های کلی نظام در بخش مدیریت نظام اداری، بند ۲)؛
- رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات با تأکید بر عملکرد، توانمندی، جایگاه و ویژگی‌های شغل و شاغل و تأمین حداقل معیشت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی (سیاست‌های کلی نظام در بخش مدیریت نظام اداری، بند ۶)؛
- زمینه‌سازی جذب و نگهداری نیروهای متخصص در استان‌های کمتر توسعه‌یافته و مناطق محروم (سیاست‌های کلی نظام در بخش مدیریت نظام اداری، بند ۷)؛
- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بند ۵)؛
- توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمندسازی معلمان و

دانش‌آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت‌های تربیتی هماهنگ با نظام

معیار اسلامی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل پنجم بند ۴)؛

- توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ‌نشین و همچنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و باکیفیت (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم راهکار ۵/۳)؛

- اولویت‌بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای رشد، توانمندسازی و مهارت‌آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش‌آموزان مناطق محروم و مرزی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم راهکار ۵/۴)؛

- ساماندهی و به‌کارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل هفتم راهکار ۵/۸)؛

- افزایش همگرایی و تقویت هویت ملی در طراحی و اجرای طرح‌های ملی و منطقه‌ای و تخصصی شدن عملکرد اقتصادی براساس قابلیت‌های و مزیت‌های نسبی مناطق برای تقویت وابستگی‌های متقابل منطقه‌ای و یکپارچگی ملی و پرهیز از تنوع و گسترش همه‌نوع فعالیت‌ها در یک قلمرو جغرافیایی (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۲ ماده ۱)؛

- تقویت زمینه‌های اسکان جمعیت بیشتر و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در جزایر خلیج فارس با تأکید بر تقسیم کار متناسب با ظرفیت‌ها و توان محیطی، بازآرایی تعاملات با قلمروهای خشکی مجاور و تمهید ترتیبات توسعه پایدار و متوازن در آن‌ها به‌ویژه در جزایر راهبردی (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۱۳ ماده ۱)؛

- ایجاد و توسعه مناطق ویژه اقتصادی و تخصصی انرژی (نفت، گاز، پتروشیمی و انرژی‌های نو) در مناطق دارای قابلیت با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته (جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، بند ۲۷ ماده ۱).

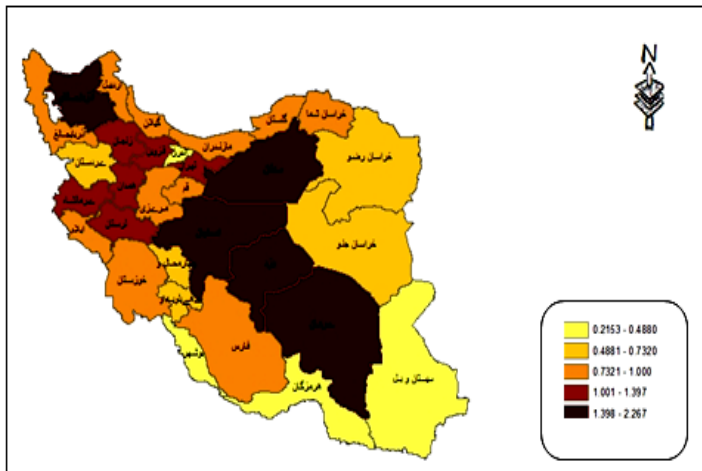
۴-۱-۲. تمرکزگرایی

شکل‌گیری فضاهاى نابرابر توسعه در مقیاس یک کشور یا منطقه در پرتو دو عامل جغرافیایی قدرت و سود قابل توجه و اهمیت است. از این لحاظ، یکی از وجوه قدرت در حاکمیت ملی منشأ جغرافیای آن است و متأسفانه میزان نفوذ این بُعد از قدرت (به‌ویژه در ساختارهای غیردموکراتیک) اغلب به زیان نواحی توسعه‌نیافته در مقیاس ملی و محلی است؛ چراکه مناطق توسعه‌نیافته، عموماً به لحاظ سیاسی از جایگاه بسیار ضعیف‌تری در دستگاه حاکمیت برخوردارند (ولی قلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۱). تمرکزگرایی به تجمیع و انحصار قدرت در اشکال مختلف گفته می‌شود که اغلب با مرکزیت‌گرایی جغرافیایی یا پایتخت همراه و همگام است. یکی از مهم‌ترین عناصر حکمرانی مؤثر بر بی‌عدالتی و عدالت فضایی میزان تفویض قدرت به نواحی پیرامونی است. سیستم بسیط و متمرکز تحت تأثیر عوامل زیر یکی از پیشران‌های بی‌عدالتی فضایی است:

- نادیده گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی و محلی و تسریع روند مخرب بی‌عدالتی فضایی؛
- سلب اختیار عمل از مسئولان محلی و منطقه‌ای و پرورش مدیر، مدیران مطیع زمینه‌سازی کند شدن روند توسعه فضایی در سطوح پایین‌تر؛
- در ساختار سیاسی-اداری متمرکز با نهادینه شدن الگوی فضایی مرکز پیرامون زمینه‌های جذب فرصت‌ها و نیروهای پیرامون در مراکز محدود نهادینه شده و پس از استحاله شدن فضاهاى پیرامونی از عناصر توسعه‌آفرین بستر تدوین گسل‌های فضایی در ساختار فضا فراهم می‌شود؛
- همسان پنداشتن فضای جغرافیایی کشور و غفلت از تفاوت‌های ناحیه و منطقه‌ای مولد سیستم برنامه‌ریزی یک‌سویه و از بالا به پایین است، مشخصه چنین نوع برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی دستوری است. در این شیوه برنامه‌ریزی توانمندی‌ها و نقاط ضعف و قوت مناطق در سطوح پایین‌تر تعیین‌کننده چهارچوب‌های عملی برنامه محسوب نخواهند بود.

برون داد چنین سیستمی انحصار قدرت تمرکز آن در پایتخت و مراکز معدودی است؛ به گونه‌ای که انحصار قدرت و تمرکز آن در پایتخت یعنی تهران، در پرتو خصلت‌های مکانی و جغرافیایی خود و نیز نگرش، رفتار سیاست‌های دولت‌های حاکم یک قرن اخیر، به شدت به تمرکز، ذخیره‌سازی و انحصار قدرت در این کلان‌شهر منجر شده که در تمامی ابعاد سرچشمه‌های قدرت ملی را تصاحب کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

بررسی توزیع فضایی قدرت در تمامی دولت‌های تشکیل شده پس از انقلاب نشان‌دهنده این امر است که توزیع دولتمردان و دست‌اندرکاران امور اجرایی-اداری کشور به شدت قطبی شده است. مسئله‌ای که ضمن غفلت از تربیت متوازن نسل‌های آتی و مدیران، فهم و درک فضای دولتمردان از نواحی حاشیه و پیرامون را تضعیف کرده است. همین امر منجر به تضعیف رابطه بین مسئولان طراز اول کشور با گروه‌های محروم جامعه می‌شود. به‌رغم تمام شعارهای انتخاباتی در پنج دولت تشکیل شده اخیر کشور، یعنی از هاشمی تا روحانی استان‌های تهران و اصفهان رکورددار تعداد وزرا در کابینه بودند (ولی قلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۱). امری که به‌عنوان یکی از پیشران‌های بی‌عدالتی فضایی محسوب شده و در قالب دسترسی نابرابر سطوح مختلف فضایی کشور به قدرت متناسب با وزن جغرافیایی و فضایی خود صورت‌بندی می‌شود. این امر در قالب نقشه زیر تشریح می‌شود:



توزیع فضایی قدرت سیاسی-اجرایی بر پایه جمعیت

۴-۱-۳. برنامه‌های توسعه

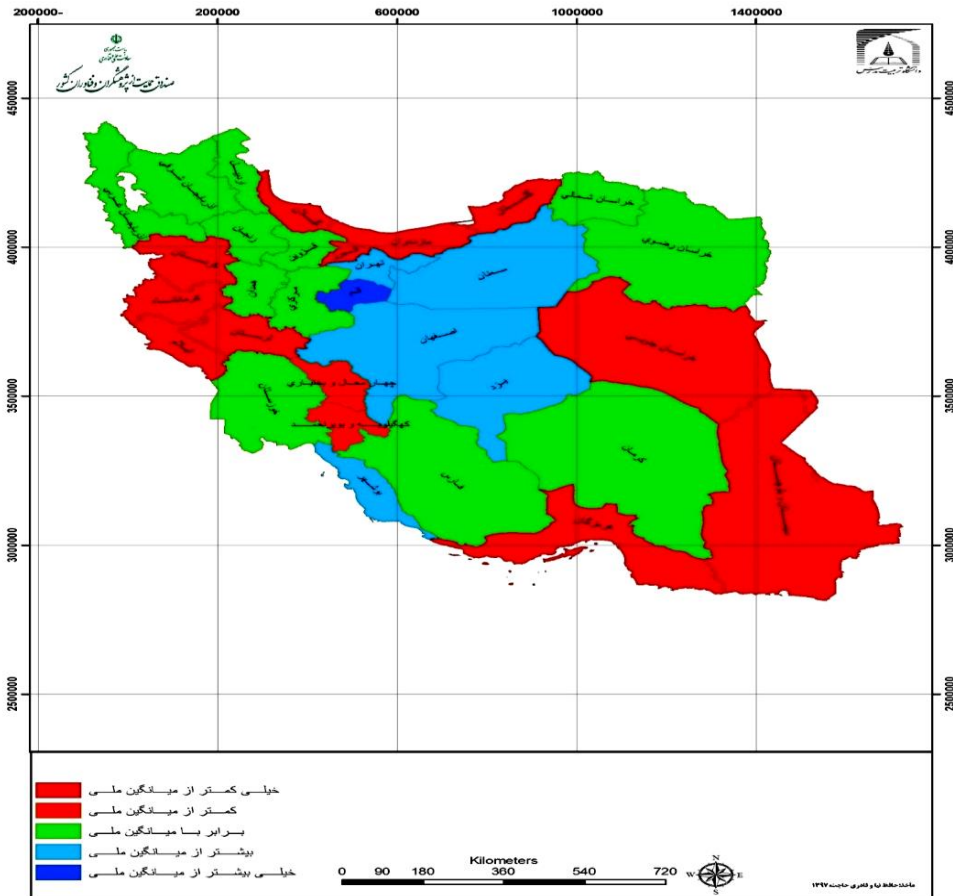
از دیگر عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و انتظام فضای جغرافیایی که ماهیت حکمروایی دارد می‌توان به برنامه‌های توسعه اشاره کرد که نمود این امر در حاکمیت سیستم متمرکز با توجه به نظام برنامه‌ریزی از بالا به پایین قابل ره‌گیری است. از آنجایی که نظام برنامه‌ریزی کشور نیز به تبع سیستم سیاسی-اداری کشور ماهیت متمرکز داشته و از آثار سوء حاکمیت تمرکزگرایی در امان نمانده است، متأثر از شرایط گفته‌شده عدم توجه به نیازها و استعدادهای منطقه‌ای از مهم‌ترین چالش‌های نظام برنامه‌ریزی کشور است. با توجه به تنوع و تکثر اکولوژیک پیگیری یک نوع نظام برنامه‌ریزی و عدم توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای و عدم پیگیری رویکرد آمیشی و اتخاذ رویکرد سیستم سیاست‌گذاری یکسان برای کل کشور منجر به تکوین و تشدید بی‌عدالتی شده است.

عملکرد برنامه‌های پیش از انقلاب که مبتنی بر سیاست‌های قطب رشد و توسعه مناطق با قابلیت توسعه بود، به نابرابری‌های فضایی انجامید، برخی نقاط از انواع زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار شدند و مناطق پهناوری از کشور از امکانات اولیه محروم ماندند.

از این رو، نیروی انسانی متخصص و کارآمد، سرمایه و فناوری به‌سوی مناطق مستعد حرکت کرده و مانع از توسعه متوازن در استان‌های کشور شد. در سایه پیامدهای راهبردهای پیشین در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و نبود برنامه‌های کلان ملی در راستای تمرکززدایی، حتی سیاست‌های محرومیت‌زدایی پس از انقلاب اسلامی نیز نتوانسته است کشور را به‌سوی تعادل فضایی پیش ببرد. حاکمیت برنامه‌ریزی از بالا به پایین و عدم واگذاری اختیارات به سطوح پایین تقسیماتی موجب عدم شناخت صحیح و انتظارات متناسب با ظرفیت‌های طبیعی گردیده و به بی‌عدالتی‌های جغرافیایی ناشی از نابرابری‌های جبری در بنیادهای زیستی کشور، دامن زده است.

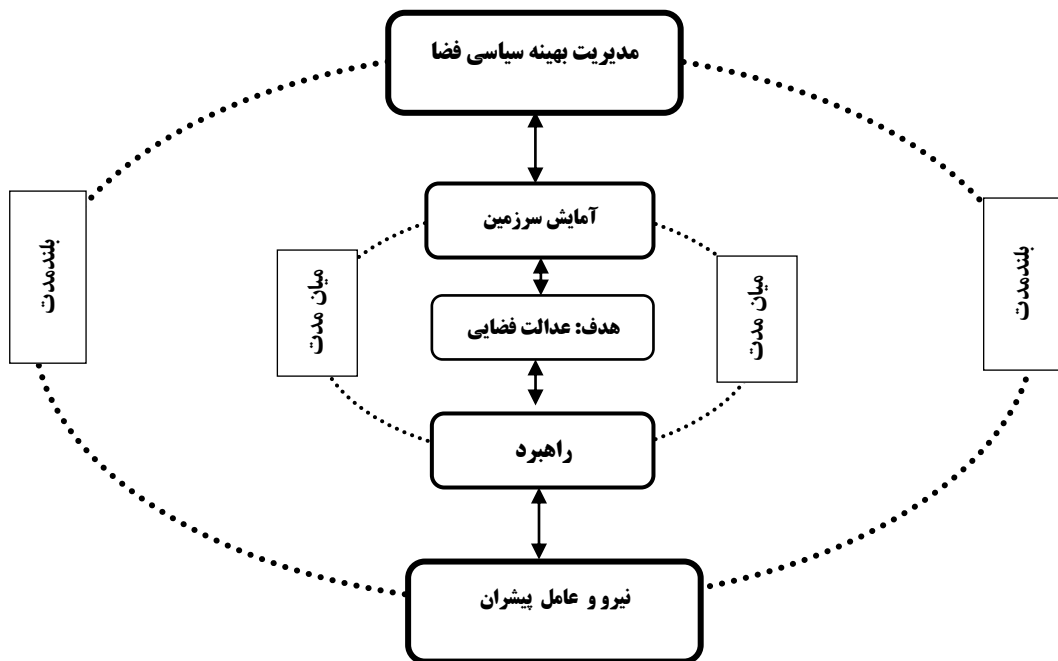
۴-۲. وضعیت عدالت فضایی در ایران

امروزه مهم‌ترین معیار سنجش توسعه متوازن مناطق در مقیاس‌های مختلف استفاده از عناصر عوامل مؤثر بر توسعه مناطق به‌عنوان شاخص‌های کمیت‌پذیر است. از این رو، برای درک بهتر عدالت فضایی در ایران از منظر چگونگی توزیع شاخص‌های مؤثر توسعه در استان‌های کشور استفاده خواهد شد. عامل‌های مؤثر بر عدالت فضایی در یک تقسیم‌بندی هشت‌گانه دربرگیرنده عامل اقتصادی، عامل کالبدی، عامل آموزشی، عامل فرهنگی، عامل سیاسی، عامل امنیتی و عامل بهداشتی است. بر پایه عناصر یادشده وضعیت عدالت فضایی ایران را می‌توان در قالب نقشه زیر به نمایش گذاشت:



وضعیت کشور ایران از نظر عدالت فضایی

نقش آفرینان مختلف در مقیاس‌های مختلف (محلی، منطقه‌ای و ملی) است که در آن تأکید زیادی بر افزایش اثربخشی و کارایی نمی‌شود، بلکه آنچه مهم است تضمین فعالیت‌های قانونی و مشروع در مقیاس‌های یادشده است. مدیریت سیاسی بهینه با دارا بودن رویکردی مشارکتی دربرگیرنده طیف وسیعی از مفاهیم مرتبط با سازمان فضایی مانند توسعه پایدار، توسعه متوازن و متعادل منطقه‌ای، توسعه شهری و روستایی به همراه پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به شاخص‌های اعلام‌شده برای مدیریت سیاسی بهینه فضا (مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، عدالت، اثربخشی و کارایی) و نیز مهم‌ترین وظایف حکومت در قبال جامعه فراهم نمودن زمینه مشارکت در امور مربوط به اداره کشور است؛ با توجه به آنچه گفته شد، اگر به عدالت و بی‌عدالتی فضایی به‌عنوان خروجی نظام سیاست‌گذاری و حکمرانی نگریسته شود می‌توان آن را به‌عنوان سنگ محک ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت شیوه حکمرانی محسوب کرد. رابطه بین حکمروایی بهینه، آمایش سرزمین و عدالت فضایی را می‌توان در قالب مدل زیر به نمایش گذاشت:



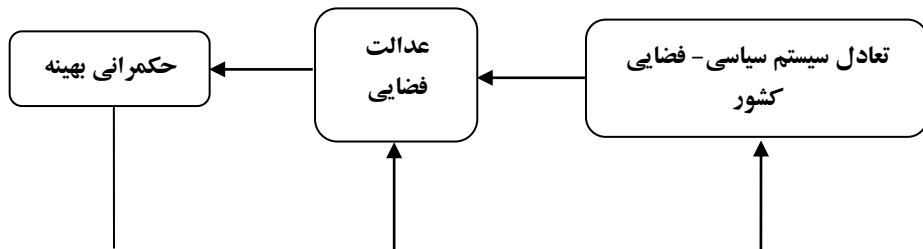
تبیین رابطه مدیریت بهینه سیاسی فضا، آمایش سرزمین و عدالت فضایی

در این راستا، مدیریت بهینه سیاسی فضا به عنوان عامل و پیشران، آمایش سرزمین به عنوان راهبرد و عدالت فضایی به عنوان هدف در یک نظام متداخل دورانی دینامیسم لازم را برای پیگیری اهداف یادشده فراهم می‌آورند.

از مهم‌ترین عوامل تهدید در یک جامعه، وجود نابرابری‌های فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن است. نابرابری‌های توسعه‌ای، شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. ادراک بی‌عدالتی به دلیل متأثر کردن اهتمام نیروی انسانی و انگیزش عناصر اجتماعی اثر مخربی بر روند توسعه ملی دارد. بی‌عدالتی و توزیع نابرابر دستاوردها و مزایای ملی موجب تعمیق شکاف طبقاتی، تضعیف عزم ملی و تنزل روحیه تلاش و فعالیت می‌شود.

با توجه به تمرکز مطالعاتی جغرافیای سیاسی به عنوان علم کشورداری و مدیریت بهینه سیاسی فضا ارتقای وضعیت جامعه از منظر عدالت فضایی یکی از زمینه‌های مهم تقویت مقبولیت و مشروعیت سیاسی حکومت، افزایش سرمایه اجتماعی آن، تقویت کارآمدی و صلاحیت آن است. مجموعه عوامل یادشده زمینه حفظ انسجام و اتحاد ملی، حفظ یکپارچگی سرزمینی و ملی، امنیت و آرامش ملی و توسعه ملی را فراهم می‌کند.

تبادل‌یابی سیستم سیاسی-فضایی کشور تابعی از اجرایی شدن آمایش / برنامه‌ریزی فضا و پیگیری سیاست‌های عدالت‌محورانه است که در نهایت زمینه ارتقاء شاخص حکمروایی بهینه سیاسی فضا را در پی خواهد داشت. این امر را می‌توان در قالب مدل زیر به نمایش گذاشت:



آمایش سرزمین، عدالت فضایی و تعادل سیستم سیاسی فضایی کشور

متناسب با شرایط کشور ایران، راهکارهای پیشنهادی در راستای تبدیل عدالت فضایی به عنوان معیار سنجش شیوه حکمروایی ارائه می شود:

الف) تبدیل عدالت فضایی به یک مطالبه عمومی / مشخص شدن جایگاه عدالت فضایی در نظام اداری و اجرایی / ضعف درک فضایی سیاست گذاران.

راهکارها:

- پیگیری تفکر سیستمی عدالت فضایی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی؛
- تبیین جایگاه عدالت فضایی به عنوان یکی از ضرورت‌های مدیریت سیاسی-اداری فضا؛
- لزوم آموزش سازوکار متقابل سیاست و فضا به عنوان یکی از ضرورت‌های مدیریتی به مدیران و سیاست گذاران؛

پیشنهاد‌های سیاست گذارانه:

- افزایش فهم فضایی سیاست گذاران و مدیران با یک رویکرد آینده‌پژوهانه در راستای نهادینه کردن لزوم برقراری عدالت فضایی و آمایش سرزمین.
- لزوم برقراری ارتباط بین دفتر آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه با جامعه دانشگاهی، بخش خصوصی و سرمایه گذاران به منظور ترویج و سازمان‌دهی سیاست‌های مبتنی بر عدالت فضایی.

ب) تمرکزگرایی نهادمند فرایند برنامه‌ریزی

راهکارها:

- بازنگری اصول ۲۷ گانه مبتنی بر تمرکز امور در قانون اساسی؛

- تغییر رویکرد نظام برنامه‌ریزی از دستوری به ارشادی - دستوری و گاهی ارشادی کامل.

پیشنهاد‌های سیاست‌گذارانه:

- توسل به قانون اساسی و اصول نظام‌مند آن به‌ویژه در فصل چهارم و اصول ۴۳ تا ۵۵
- تمرکززدایی در نظام تصمیم‌گیری و ساختارسازی نهادی در جهت پیگیری امور مرتبط با تمرکززدایی؛
- تدوین راهکارهای مشارکت همه‌جانبه سطوح خرد و کلان در قالب تفویض قدرت و تمرکز ستادی در قالب راهبرد توسعه اختیارات دولت محلی؛
- پرهیز حاکمیت از تصدی‌گری امور؛ در این راستا دولت ضمن واگذاری امور به بخش غیردولتی با اتخاذ رویکرد ناظر-حامی در سیاست‌گذاری‌ها در راستای توزیع متوازن فرصت‌ها؛
- ساماندهی عملکردهای پایتخت و قطب‌های توسعه کشور در راستای کاهش بار و ایجاد زمینه برای انتقال برخی فعالیت‌های تولیدی و خدماتی.

ج) ناکارآمدی اسناد بالادستی در زمینه لزوم توسعه متوازن و محرومیت‌زدایی

- هم‌زمانی تصویب برنامه‌های توسعه با دوره عملکردی و اجرایی دولت تصویب‌کننده برنامه به‌منظور کاهش اثرات رقابت‌های مخرب جناحی و سیاسی در پیگیری و اجرای برنامه‌های مصوب؛
- هم‌زمانی نظارت و بازرسی برنامه‌ها در حین اجرای برنامه و عدم موکول کردن فرایند یادشده به پس از اجرای برنامه‌ها؛
- تهیه طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای و ناحیه‌ای با تأکید بر برنامه‌ریزی یکپارچه شهری و روستایی؛
- پیوند عقلانی حوزه برنامه‌ریزی و حوزه اجرا و کارگزاری توسعه.

راهکارها:

- ارزیابی و سنجش برنامه‌های اجرا شده به منظور درک نقاط ضعف و قوت احتمالی در راستای توسعه متوازن و عدالت فضایی به منظور پرهیز از تکرار تجارب شکست خورده گذشته.

پیشنهاد های سیاست گذارانه:

- تربیت مدیران، متخصصان و دانش پژوهانی که در حل و تحلیل تناقض های کیفی- کمی در اسناد عالی و برنامه های معین و مقام اجرا توانایی کافی داشته باشند، بسیار مفید خواهند بود؛
- تأسیس نهادی برای رصد و پایش شاخص های کلان ملی و نحوه عملیاتی شدن این شاخص ها و محوریت آن در سطح ملی و بین دستگاه های دولتی و خصوصی؛
- بازتعریف شاخص های ترکیبی مناسب، عملیاتی سازی مناسب شاخص های آماری و کمی به منظور جلوگیری از تناقض های سیاستی، اجرایی، هم زبانی و هم زمانی در اجرا (قادری حاجت ۱۳۹۷: ۱۷۱).

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۹۳)، آمایش سرزمین و نقش آن در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ناشر: نشر الگوی پیشرفت: وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران.
- جوان، جعفر و عبداللہی، عبدالله (۱۳۸۷)، عدالت فضایی در فضاہای دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیہ کلان‌شہر مشهد)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۵۷-۱۳۱.
- جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین، قابل دسترس در:
<https://vpb.um.ac.ir/images/192/stories/asnad-faradasti/amayesh.pdf>
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، جزوه درسی جمعیت و توسعه، مقطع کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پایلی، مشهد.
- داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۵-۱، صص: ۸۵-۷۵.
- رزازی، افسر (۱۳۸۴)، الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، مجموعه مقالات همبستگی ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- سرور، رحیم (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، انتشارات گنج هنر، تهران.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، قابل دسترس در:
<https://sccr.ir/Files/6609.pdf>
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16995>
- سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- سیاست‌های کلی اشتغال، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16716>

- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=165>
- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128>
- سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، قابل دسترس در:
<https://dlp.msrt.ir/file/download/regulation/%D8%B3%D9%8A%D8%A7%D8%B3%D8%AA%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%D9%8A%20%D9%83%D9%84%D9%8A%20%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85%20%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%8A%20%D8%B1%D8%B4%D8%AF%20%D9%88%20%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87.pdf>
- سیاست‌های کلی نظام در امور «مسکن»، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16983>
- سیاست‌های کلی نظام در بخش مدیریت نظام اداری، قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=16992>
- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، قابل دسترس در:
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132299>
- شریعتی، شهرزاد (۱۳۹۴)، ژانوس توسعه‌گرایی در ایران؛ مقایسه نتایج سیاست‌گذاری نامتوازن توسعه در رژیم پهلوی و نظام جمهوری اسلامی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال نوزدهم، شماره اول.
- قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۷)، تدوین راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران، پروژه پست دکتری، دانشگاه تربیت مدرس و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران، تهران، ایران.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترس در:
https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
- محمدزاده، یوسف و دیگران (۱۳۹۵)، تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۶: صص ۹۷-۱۱۲.
- مفتاح، محمدهادی و همکاران (۱۳۹۴)، امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۷۵-۱۵۱.

- مویر، ریچارد (۱۳۸۴)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه میرحیدر، دره، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ولی قلی‌زاده، علی (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی تأثیرات تمرکزگرایی در شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی - سرزمینی در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۶۸-۱۳۹.

ب. منابع انگلیسی

- Brown, Nicholas, Rayan Griffis, Kevin Hamilton, Sharon Irish and Sarah, Kanouse (2007). What Makes Justice Spatial? What Makes Spaces Just? Three Interviews on the Concept of Spatial Justice, *Critical Planning*, 14 28-1(1)
- Cardoso, Ricardo. (2007), *Social Justice as a Guide to Planning Theory and Practice: Analyzing the Portuguese Planning System*, *International Journal of Urban and Regional*
- Dikeç Mustafa (2009) *Space, politics and (in) justice*, Department of Geography, Royal Holloway, University of London. www.jssj.org.
- Fainstein, Susan. (2005), *Planning theory and the Just city*, *Journal of Planning Education and Research*, 130-121(2) 25
- Graham, John. Amos, Bruce. Plumptre, Tim. (2003). *Good Governance in the 21st Century*, policy Brief, No 15. Available online at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/UNPAN/UNPAN011842.pdf>
- Mihalopoulos, A. Philippopoulos. (2014). *The Movement of Spatial Justice*, Available Online at: <https://www.researchgate.net/publication/275844357>
- Savas, E.S. (1978), *On Equity in Providing Public Services*. *Management Science*, -800(8) 24 808.
- Soja, Edward W. (2008) *The city and spatial justice*, Paper prepared for presentation at the conference *Spatial Justice*, Nanterre, Paris, March 12-14, 2008. www.jssj.org.
- Soja, Edward W. (2010). *Seeking for spatial justice*, university of Minnesota, USA.